

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **ره‌یافت**

سال پانزدهم، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰

صفحه ۱۲۵ تا ۱۴۲

چالش‌های رانت و فساد سیاسی برای جامعه مطلوب اسلامی با رویکردی به آراء امام خمینی (ره)

نسرین درویش نوری کلاکی / دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی (ره)، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهر ری، ایران.
s.p.hosseini.1342@gmail.com

طیبه عارف نیا / استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهر ری، ایران (نویسنده مسئول).
tarefnia@gmail.com

ظاهره سلیمی / استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهر ری، ایران.
T.salimi313@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال بررسی چالش‌های رانت و فساد سیاسی در جامعه اسلامی است که به طور موردی، دیدگاه‌های امام خمینی (ره) را مورد تأکید قرار می‌دهد. سؤال پژوهش این است: بر مبنای رویکرد امام خمینی، رانت و فساد سیاسی از چه راه‌هایی باعث عدم تحقق جامعه مطلوب اسلامی می‌شوند؟ پاسخی که مطرح می‌شود این است: رانت انواع مختلفی از رانت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارد که از نظر امام خمینی (ره)، مصادیق متعدد رانت شامل بی‌عدالتی در دستیابی به منافع، تبعیض و رابطه گرایی، قوم و خویش‌سالاری، بی‌قانونی و عدم توجه به شایسته‌سالاری است. تبعات رانت نیز بر هم خوردن تعدیل در نظام اسلامی، افزایش فاصله طبقاتی، گسترش محرومیت و نادیده گرفتن حاکمیت قانون و از همه مهم‌تر، نادیده گرفته شدن احکام شرع است که همگی چالشی برای تحقق جامعه مطلوب اسلامی محسوب می‌شوند. پیشنهاد این است که تنقیح بحث رانت از منظر فقهی و بررسی آثار مخرب آن در حوزه سیاست و اجتماع راهکاری برای آشکار شدن و شناختن این وجه از فساد در جامعه اسلامی و مبارزه با آن است. روشی که مورد استفاده پژوهش حاضر قرار گرفته است، توصیفی-تحلیلی است.

کلیدواژه: امام خمینی، رانت، فساد، شایسته‌سالاری، جامعه مطلوب اسلامی.

تاریخ تأیید ۱۴۰۰/۰۲/۲۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۱/۱۹

مقدمه

فساد دارای جلوه‌ها و مظاهر متعددی است و می‌توان رانت را نیز یکی از جلوه‌های آن در نظر گرفت که تأثیر نامطلوبی بر وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی می‌گذارد. مهم‌تر اینکه رویکرد دین اسلام و آموزه‌های فقهی منبعث از آن، نافی هرگونه فساد و بهره‌گیری از رانت در امور مختلف جامعه می‌باشد. به همین وجود فساد و رانت در جامعه اسلامی از مصادیق جرائم و تخلفات اجتماعی و مانعی مستحکم برای تحقق جامعه مطلوب اسلامی در نظر گرفته می‌شود. همین رویه باعث شده تا فقها و صاحب‌نظران مختلف، مواضع قاطعانه‌ای در قبال فساد و رانت در پیش بگیرند. از جمله اینکه امام خمینی (ره)، بخش مهمی از دیدگاه‌ها و آراء خود را در تحقق جامعه مطلوب اسلامی و زدودن فساد و رانت از چهره آن می‌داند.

مسئله فساد و رانت‌های ناشی از فساد به قدری حائز اهمیت است که در سال ۱۳۸۰، فرمانی هشت ماده‌ای در راستای مبارزه با فساد از سوی مقام معظم رهبری صادر گردید. ضمن این که تصویب برنامه سلامت نظام اداری و مقابله با فساد و قانون آن، و نیز تصویب قوانینی به منظور پیشگیری از رانت‌خواری حکایت از واکنش تقنینی نظام حاکم به این مسئله بسیار نگران‌کننده دارد. علیرغم تصویب قوانین مذکور، اما کماکان رانت‌خواری در انواع مختلف در جامعه ما رواج دارد. به نظر می‌رسد نه تنها قوانین کنونی در پیشگیری و مبارزه با این امر کافی نباشند بلکه سیاست‌های اجرایی صحیحی خصوصاً در راستای فرهنگ‌سازی، در این زمینه اتخاذ نشده است. یکی از شواهد این ادعا این است که بسیاری از مردم و مسئولین، در تشخیص درست یا غلط استفاده از رانت و یا ملاک‌های آن، سرگردان هستند. با این حال، مهم‌ترین آثار فساد و رانت، ایجاد موانعی برای تحقق جامعه مطلوب اسلامی است که بررسی آن نیازمند غور و تفحص در این زمینه است. پژوهش حاضر درصدد است تا رویکرد امام خمینی (ره) را نسبت به مسئله فساد و رانت و آثار آن بر جامعه مطلوب اسلامی را مورد بررسی قرار دهد.

۱-۱. پیشینه تحقیق

درباره بحث فساد سیاسی، رانت و ارتباط آن با جامعه مطلوب اسلامی، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که به برخی از مهم‌ترین آنان پرداخته می‌شود:

محمدی و زرگر (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان درآمدی بر نسبت فساد اقتصادی و توسعه سیاسی (با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران در سالهای ۹۲ تا ۶۸)، به این نتایج دست یافتند

که فساد اقتصادی نسبتی معکوس با آزادی رسانه، مطبوعات داشته است و هرچقدر دامنه فعالیت رسانه‌ها کمتر بوده، فساد اقتصادی نیز گسترش یافته است و مانعی برای توسعه شده است. ادیب‌پور و محمدی (۱۳۹۵) در پژوهش مشترکی تحت عنوان اثر فساد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد به این نتیجه رسیدند که فساد اقتصادی عاملی برای گسترش نابرابری-های اقتصادی و اجتماعی شده است. در مقاله بررسی فساد اقتصادی و راههای مبارزه با آن (۱۳۹۳) که توسط رحیمیان نگاشته شد بر ضرورت مقابله با فساد و ریشه کردن آن تأکید شده است که به عنوان یکی از افت‌های جامعه امروزی شناخته می‌شود. اسلامپور کریمی (۱۳۸۷) در مقاله رشوه، پدیده شوم اجتماعی، به موضوع رشوه به عنوان یکی از مصادیق فساد اشاره می‌کند که در برنامه‌ریزی مبارزه با فساد اقتصادی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. مقابله با رشوه و فساد از جمله عوامل مهم جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پیشرفت کشور است. محنت‌فرد (۱۳۸۷) در مقاله خود تحت عنوان فساد اقتصادی و چگونگی مبارزه با آن در فرایند توسعه اقتصادی، مبارزه با فساد را یکی از عوامل زیربنایی در امر توسعه اقتصادی می‌داند که نادیده گرفتن آن به معنای بی‌توجهی به عوامل مؤثر بر فرایند مزبور هستند. در کتاب‌هایی نظیر: زنده باد فساد نوشته علی ربیعی (۱۳۸۳) و همچنین زال‌پور (۱۳۸۱) تحت عنوان بازشناسی عارضه فساد در دولت‌های جهان سوم نیز به فساد به عنوان یکی از موانع اصلی توسعه در کشورهای جهان سوم توجه نشان دادند.

در مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته، مسأله فساد و رانت، موضوعی محوری و کلیدی است و از این جهت، پژوهش حاضر نیز دغدغه بررسی فساد و رانت را دارد. اما از جهت ارتباط میان رانت و فساد سیاسی با جامعه مطلوب اسلامی، مسیر پژوهش حاضر متمایز می‌شود.

۲-۱. چارچوب نظری تحقیق؛ نظریات فساد و رانت

تعاریف متفاوتی از فساد و رانت ارائه شده است و هر کدام بر بخش و یا ابعادی از آنها توجه نشان می‌دهند. تانزی، فساد را شامل هر پدیده‌ای می‌داند که یک مجموعه را از اهداف و کارکردهای خود دور سازد و یا بازدارد (تانزی، ۱۳۸۷: ۴۵). به عبارتی دیگر، وقتی در یک جامعه شرایط ایده‌آل و متعادل ترسیم می‌شود، بر هم زدن این رابطه متعادل، به معنای نفوذ فساد در آن جامعه است. در نظریه دیگری، فساد به معنای سوء استفاده از قدرت تعبیر شده است که مسائلی نظیر رشوه، کلاهبرداری، اخاذی، اختلاس و ... را در بر می‌گیرد (دی-پیاتزا، ۲۰۰۸: ۱۹). رویکرد اخیر به فساد سیاسی نزدیک است که در آن بر سوء استفاده از

قدرت توسط مقامات و رهبران سیاسی توجه نشان داده می‌شود. نظریه دیگری که مشابه نظیر دی‌پی‌اترا است، ارتباط دادن فساد با قدرت گرفتن فرد و سوءاستفاده از مقام و موقعیت خویش است. میردال، فساد را به مسأله استفاده نامشروع افراد از مقام و موقعیت خود تعبیر می‌کند. در رویکردی که میردال مطرح می‌نماید، تمام اشکال مختلف انحراف و یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی از مصادیق فساد دانسته شده است (میردال، ۱۹۶۸: ۵۴). ارتقای ناسالم و به قدرت رسیدن افراد نالایق به عنوان مهم‌ترین آثار استفاده از فساد در نظر گرفته می‌شود.

اما فساد، فراگیرتر از رفتارها و انحرافات فردی است و ممکن است عوامل و متغیرهای نهادی و سازمانی نیز در بروز و ظهور آن نقش داشته باشند. در این زمینه، هانتینگتون از جمله کسانی است که فساد را به معنای ضعف اداری و بوروکراتیک تعبیر می‌کند. از نظر وی، فساد به خصوص در کشورهای در حال توسعه، ریشه در قوانین و مقررات نامناسب و یا نهادهای اداری دارد که وظیفه سازمانها، مبارزه با فساد، شناسایی این رویه‌ها و فرایندها است (هانتینگتون، ۱۹۶۸: ۶۹). ضعف‌ها و ناکارکردی نهادی باعث شده تا هانتینگتون حتی بروز فساد در جوامع در حال توسعه و یا توسعه نیافته را امری طبیعی و حتی روشی برای دسترسی به مطالبات بر حق شهروندان بداند. در همین راستا، در رویکرد دیگری بر ضعف نهادهای اداری و عدم استقلال آنان به عنوان یکی از زمینه‌های بروز فساد توجه نشان داده شد. بنابراین در صورتی که نهادهای مستقل مبارزه با فساد در یک جامعه وجود نداشته باشند، شرایط برای فساد مهیاتر است (کیونده، ۲۰۰۴: ۶۵). از منظر این دسته از متفکران، مداخله این نهادها بدون در نظر گرفتن منافع اشخاص و یا نهادها می‌تواند باعث مبارزه با فساد و برچیدن ریشه‌های آن در هر جامعه‌ای گردد. رویکرد مزبور، ایجابی و در راستای طرح ایده‌ای برای مقابله با فساد است. رویکرد دیگری که توسط لیو مطرح شده است، فراگیرتر است و فساد را به سه نوع مشاغل دولتی، منافع عمومی و بازارمحور تقسیم کرده است (لیو، ۲۰۰۴: ۱۰). در صورتی که انحراف و یا کژکارکردی در هر یک از موارد یاد شده، رخ دهد، بروز فساد اجتناب‌ناپذیر است. در مشاغل دولتی، رانت، رشوه و مصادیق آنان، در مشاغل خصوصی استفاده از موقعیت و مقام و همچنین دور زدن قانون می‌تواند به عنوان فساد تلقی شوند.

برخی دیگر از اندیشمندان حوزه فساد، تعارض و ناسازگاری میان منافع عمومی و خصوصی را مدنظر قرار داده و بر این باور هستند که وقتی افراد برای دستیابی به منافع شخصی، منافع عمومی را مدنظر قرار ندهند و از هر ابزاری برای مقاصد شخصی بهره ببرند،

فساد رخ می‌دهد. در این رویه، پاداش‌های مالی و غیرمالی که در قانون تعبیه پیش‌بینی نشده است، باعث دستیابی فرد به منافع شخصی می‌شود که نتیجه آن آسیب‌زدن به منافع عمومی است (آندرسون، ۲۰۰۲: ۲۸). این رویکرد هم به روش‌های نادرست در شکل‌گیری فساد اشاره می‌کند و هم چتری فراگیر برای شناسایی مصادیق فساد در نظر گرفته که مرکز ثقل آن، «تعارض با منافع عمومی» است. بر مبنای این رویکرد، هر جایی منافع عمومی از طریق روش‌های غیرقابل پیش‌بینی در قانون به نفع منافع فردی به پیش رفته است، فساد رخ می‌دهد. بنابراین مهم‌ترین اثر فساد، نادیده گرفتن منافع عمومی و ترجیح منافع شخصی بر منافع عمومی است.

اما در نهایت می‌توان به نظریه بانک جهانی اشاره نمود. در تعریفی که بانک جهانی از فساد ارائه می‌دهد، بیشتر به فساد دولتی و آثار آن در بوروکراسی دولتی اشاره دارد. از نظر بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل، فساد، سوءاستفاده از اختیارات دولتی برای کسب منافع شخصی است (بانک جهانی، ۱۹۹۷). بانک جهانی به مصادیق متعدد فساد اشاره کرده و آنان را طیفی از رشوه، اختلاس، سرقت و تقلب، اخاذی، سوءاستفاده از اختیار، پارتی‌بازی، قوم و خویش پرستی و حامی‌پروری و مشارکت‌های نامناسب سیاسی دانسته است (بانک جهانی، ۱۹۹۷). این رویه از نظر بانک جهانی مصداق نقض حقوق افراد جامعه و تضییع فرصت‌های مناسب و عادلانه برای آنان در نظر گرفته می‌شود.

با عنایت به نظریات و رویکردهای مختلفی که درباره فساد ارائه می‌شود، آنچه در مقاله حاضر به عنوان چارچوب نظری بحث پذیرفته شده است، در نظر گرفتن همه ابعاد و زوایای فساد از جمله رانت است. در این رویکرد عام، فساد هم می‌تواند ناشی از انحراف در نظام مقررات و سیاستگذاری و ضعف نهادها باشد، هم می‌تواند تحت تأثیر تصمیمات فرد و هم کارکرد نامطلوب بخش عمومی و خصوصی باشد. در هر صورت، فساد باعث تبعیض، بی‌عدالتی، بی‌قانونی و دور زدن آن منجر می‌شود که از جمله عوامل بازدارنده و مانع تحقق جامعه عادلانه و مطلوب خواهند شد. اما آنچه با فراروی از دیدگاه‌های مطرح شده، مورد توجه است، بررسی چالش‌های رانت و فساد سیاسی برای جامعه مطلوب اسلامی است که در واقع ناظر بر آثار و پیامدهای فساد سیاسی است.

در بحث حاضر و برای بررسی آثار رانت و فساد در جامعه اسلامی، تلفیقی از نظریات فوق مدنظر قرار می‌گیرد. بنابراین با طرح رویکردهای تحلیلی مطرح شده درباره نقش و

جایگاه رانت و فساد، نشانه‌ها و مصادیق آن در آراء امام خمینی (ره) و اثراتی که در جامعه اسلامی برجای می‌گذارند، به بحث گذاشته می‌شود.

۲. انواع رانت و ارتباط آن با فساد

رانت و فساد سیاسی موضوعات درهم تنیده‌ای هستند که برای توضیح این روابط نیازمند بررسی رانت و مصادیق آن هستیم. غالباً آنچه از رانت به ذهن متبادر می‌شود، رانت اقتصادی است که البته نمی‌تواند معرف تام و تمام رانت در نظر گرفته شود.

۲-۱. رانت اقتصادی و فساد

رانت اقتصادی اغلب از زمینه‌های نابهنجار در روابط اقتصادی سرچشمه می‌گیرد. مسائلی از قبیل انحصار استفاده از منابع طبیعی، محدودیت‌های بازرگانی، سیاست‌های حمایتی، کنترل قیمت‌ها، چندگانگی نرخ ارز، تخصیص سهمیه‌های ارز و چگونگی توزیع بودجه و اعتبارات دولتی، بستر ساز رانت اقتصادی به شمار می‌آیند. رانت منابع طبیعی در گذشته در قالب انحصارها در توزیع و تولید منابع اولیه شکل می‌گرفت اما امروز، توسعه زندگی شهری، افزایش تقاضای مسکن را در پی داشته است؛ از این رو در کلان شهرها، خرید و فروش تراکم همان آثار رانتی و مخرب نابرابری‌های اقتصادی انحصارهای منابع طبیعی را ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت سند جواز تراکم شکل جدیدی از همان انحصار یک‌جانبه تولید یا توزیع منابع اولیه به شمار می‌آید، هم‌چنان که محدودیت‌های بازرگانی برای واردات کالاهای خارجی در قالب تعرفه‌ها و سهمیه‌بندی واردات زمینه‌ساز برخورداری گروه‌هایی از رانت اقتصادی است (آقانظری، ۱۳۸۳، ۷۶).

در جریان رانت اقتصادی، فعالیت‌های اقتصادی پرمفعت و به صورت مجوز واردات یا صادرات کالا یا خدمات و نیز به صورت موافقتنامه‌های اصولی، به انحصار فرد یا گروه یا حزب خاصی درمی‌آید. همچنین استفاده از وام‌های کلان بانکی با نرخ‌های سود پایین که تنها در اختیار عده‌ای خاص قرار می‌گیرد نوعی رانت اقتصادی به حساب می‌آید. نکته حائز اهمیت این است که به طور کلی رانت اقتصادی توسط سیاستمداران و مقامات عالی صاحب‌نفوذ و موقعیت که از توان ایجاد رانت سیاسی، چه برای خود و چه برای دیگران برخوردارند، ایجاد می‌گردد. فلذا فعالیت‌های اقتصادی سیاستمداران و مقامات صاحب‌نفوذ دولتی حتی اگر منشأ اولیه فساد هم نداشته باشد، تداوم و استمرار آن به فساد منجر می‌شود. زیرا آنان به اطلاعات و مجوزهای دولتی دسترسی داشته و از موقعیت و توان استفاده از آن برخوردارند. این امر سبب ایجاد انحصار و رانت‌خواری و نهایتاً فساد مالی و اقتصادی

می‌گردد. بدین خاطر در بسیاری از کشورها با تصویب قوانین خاص، سعی نموده‌اند با محدود کردن فعالیت‌های اقتصادی مقامات صاحب نفوذ از بروز رانت خواری توسط این مقامات جلوگیری نمایند. (فرچ‌پور، ۱۳۸۳: ۱۸۸).

مورد دیگری از اقسام رانت که ذیل رانت اقتصادی قرار می‌گیرد، رانت «جهش قیمتی یا تورمی» است. تورم قابل پیش‌بینی یکی از راه‌های کسب رانت اقتصادی است. تورم حاصل از کسری بودجه دولت، اعم از کسری آشکار یا پنهان، ابزاری در اختیار گروهی از افراد و شرکت‌ها برای اندوختن مال و ثروت فراهم می‌آورد و از این رهگذر، بعضی توانسته‌اند عوامل موجود در تورم را شناسایی کنند و با در دست داشتن امکانات، از تورم بیشترین بهره را بگیرند، بی آن که ارزش افزوده‌ای را در جامعه ایجاد کرده باشند. خرید تراکم ساختمانی قبل از تصمیم توقف فروش تراکم در مناطقی از شهرداری تهران، خرید قبر قبل از افزایش هزاردرصدی و برخی تحولات به نام یکسان‌سازی نرخ ارز از جمله این موارد است (اسحاقی، ۱۳۸۵، ۴۶). محیط اقتصادی تورم‌زا، گرایش افراد برای کسب درآمد از طریق ورود و خروج از بازار بدون کسب مطلوبیت نهایی مصرف و تنها به اتکای کسب درآمد اضافی با انتقال قیمت‌های کاذب به سایر اقشار جامعه را افزایش می‌دهد. روند بی‌رویه افزایش قیمت‌ها بدون کسب مطلوبیت، مشکل بزرگی را پیش روی دادوستد اقتصادی جامعه می‌گذارد و افراد حسب میزان برخورداری از اطلاعات مرتبط به تغییر قیمت‌ها و حمایت در فضای انحصارگرا، درآمدهای تصادفی بزرگی را کسب می‌کنند. از این رو کارگزاران سیاسی، محیط تورمی اقتصاد را برای انتقال ثروت از گروه‌ها و طبقات اجتماعی هدف، مناسب می‌دانند و سیاست‌های تورمی را در دستور کار قرار می‌دهند. (عبیری، ۱۳۹۰، ۶۱).

۲-۲. رانت سیاسی و فساد

رانت‌جویی سیاسی با ماهیت نظام سیاسی، کارگزاران، فرهنگ جامعه، روابط اجتماعی و روابط قدرت پیوستگی نزدیکی دارد. با تسری تعریف مفهوم رانت از حوزه اقتصاد به حوزه سیاست می‌توان رانت سیاسی را «کسب هر سطح از قدرت سیاسی بدون پرداخت هزینه‌های لازم و ضروری آن» دانست. در واقع از این منظر هرگاه افراد و یا گروه‌هایی برای دستیابی به قدرت سیاسی و یا نفوذ در آن حاضر به پذیرش قواعد بازی و رقابت سالم سیاسی با دیگران نبوده و از این طریق بیش از هزینه‌های صرف کرده، به منابع و منافع در قدرت سیاسی موجود دست یابند، به نوعی از «رانت سیاسی» برخوردار گردیده‌اند. (درویشی، ۱۳۸۷: ۳۳۱)

در حقیقت استفاده افراد و گروه‌ها از رانت سیاسی به معنای کسب قدرت سیاسی و یا نفوذ در آن، بدون برخورداری از مقتضیات ضروری آن، یعنی شایستگی (کارآمدی) و پذیرش و حمایت مردمی (مقبولیت) است. براساس این دیدگاه رانت‌خواری سیاسی محصول جامعه‌ای غیر رقابت‌آمیز، انحصارطلب و خودمطلق بین است که نتیجه طبیعی آن حاکمیت روابط به جای ضوابط، ارادت‌پروری به جای شایسته‌سالاری و تیره و کدر بودن در برابر شفافیت فضای عمومی است. (همان منبع) شکل‌گیری رانت سیاسی، یکی از پیامدهای فساد سیاسی در هر جامعه‌ای است و هر گاه دولت و احزاب قدرتمند سیاسی که توزیع و تصمیم‌گیری درباره منافع ثروت و قدرت را در اختیار خود دارند در انجام این کار بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه تبعیض قائل شوند و اعطای این امتیازات بین همگان در شرائطی نابرابر صورت گیرد و اراده متنفذان سیاسی بر آن باشد که با خارج کردن رقبا از میدان، امتیازی را به فرد یا گروه خاص بدهند، یک رانت سیاسی برای آن فرد یا گروه خاص شکل می‌گیرد (فضلی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

۲-۳. رانت اطلاعاتی و فساد

رانت اطلاعاتی از موارد بسیار مبتلا به در جامعه است. دستیابی زود هنگام به اطلاعات اقتصادی در زمینه سیاست‌های بازرگانی، پولی، ارزی، بازار سهام، امور مالی و طرح‌های عمرانی منشأ این رانت می‌باشد. عده‌ای با بدست آوردن زودرس اطلاعات مختلف در زمینه تغییرات قریب‌الوقوع در قوانین و مقررات، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های جدید، طرح‌های بزرگ عمرانی، اصلاحات در محدوده نقشه‌های جامع شهری و اطلاعات مربوط به نحوه عملکرد شرکت‌ها، از این اطلاعات جهت منافع شخصی خود استفاده می‌کنند و به ثروت‌های هنگفتی دست پیدا می‌کنند. واکنش وسیع این افراد نسبت به کسانی که اطلاعات صحیح و به هنگام اقتصادی هنوز به دست آنها نرسیده است، سودهای کلانی را نصیب آنها می‌کند و موجب شکل‌گیری و رقابت ناسالم اقتصادی در بازار سرمایه می‌شود. از آنجایی که اطلاعات مهم‌ترین عامل در بازار سرمایه است، صحت و به هنگام بودن آن از اهمیت زیادی برخوردار است. هم‌چنین رعایت عدالت در توزیع اطلاعات بسیار ضروری است. انتشار غیرعادلانه و دیر هنگام اطلاعات موجب می‌شود تا افرادی که به هر دلیل از جمله زد و بندهای خاص زودتر از دیگران به اطلاعات ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت‌ها و بازار بورس اوراق بهادار دسترسی پیدا می‌کنند، بتوانند از طریق رانت‌های اطلاعاتی به سودهای هنگفتی دست یابند. این افراد به محض دسترسی به اطلاعات یک شرکت، سریعاً با اتخاذ

سیاست‌های مناسب و نامطلوب نشان دادن وضعیت مالی شرکت، موجب تنزل قیمت سهام آن می‌شوند و پس از خرید سهام ارزان به تبلیغ در مورد وضع بسیار خوب آن شرکت پرداخته و با افزایش یافتن قیمت سهام، سهام خریداری شده را به قیمت بالاتر می‌فروشند و منافع سرشاری را نصیب خود می‌نمایند. این منافع همان رانت اطلاعاتی ناشی از دسترسی زودتر به آمار و کسب اطلاعات می‌باشد، و به همین خاطر خرید و فروش سهام شرکت‌ها توسط مدیران آن‌ها و دوستان و نزدیکانشان براساس اطلاعات داخلی شرکت‌ها در بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده و اندونزی غیرقانونی است و مجازات زندان را به دنبال دارد (فیسمن، ۱۳۸۸، ۵۷).

۴-۲. رانت قضایی و فساد

رانت قضایی، زمانی است که یک طرف دعوی و یا متهم، به واسطه دولتی بودن یا نزدیکی به پایگاه‌های قدرت و یا موقعیت خاص خود و یا پرداخت رشوه و تبانی و...، امتیازهای تبعیض‌آمیز قانونی یا غیرقانونی دریافت می‌نماید. برطبق اصول قانون اساسی از جمله اصل ۱۵۶، قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت می‌باشد و بر همین اساس مسئولیت‌هایی چون رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات مردم و حل و فصل دعاوی و رفع خصومات آن‌ها و احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع، بر عهده این نهاد گذاشته شده است. به طوری که این نهاد در صورت مستقل ماندن و رعایت اصل برابری افراد در مقابل قانون می‌تواند به وظایف خود به نحو احسن عمل نماید و به معنای واقعی پاسدار حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی افراد جامعه باشد. در این میان، رانت قضایی می‌تواند ناقض آرمان‌های والای سیستم قضایی هر کشوری در تحقق عدالت و برابری باشد.

یکی از موارد مهم رانت قضایی، رانت قضایی دولتی است که در امتیازی برای دولت در برابر عموم مردم به شمار می‌رود. این در حالی است که اساساً حذف رانت قضایی برای نهاد دولتی علاوه بر ایجاد امنیت بیشتر برای بخش خصوصی، زمینه لازم را برای کاهش فساد در نهاد دولت فراهم می‌سازد. شاید بتوان ادعا کرد که یکی از مهم‌ترین عوامل ناکارایی در بوروکراسی دولتی، فقدان یک نهاد تنبیهی علیه نهاد دولت بوده است؛ بر این اساس، مردم باید بتوانند در صورت تخلف این نهاد به محاکم قضایی مراجعه و علیه دولت شکایت نمایند و دولت نیز با گرفتن وکیل از حقوق خویش دفاع نماید. از طرف دیگر، اشخاصی هم که به دلیل وابستگی و نزدیکی به مراکز قدرت از امنیت قضایی بهره‌مند می‌شوند و یا با رشوه دادن

از چنگ قانون می‌گیرند، بتدریج، عدالت اقتصادی، اجتماعی و قضایی را در هم می‌ریزند و باعث بی‌اعتباری قانون می‌گردند (اسحاقی، ۱۳۸۴، ص ۲۵).

۵-۲. رانت اجتماعی و فساد سیاسی

رانت اجتماعی جلوه‌های مختلفی را دارد و می‌تواند آثار مالی یا غیرمالی داشته باشد. به طور کلی، برخورداری از بعضی امتیازات ویژه که خارج از صلاحیت‌های فردی و شایستگی‌های ذاتی برخی افراد نصیب ایشان می‌شود، رانت اجتماعی محسوب می‌شود. رانت اجتماعی حاکی از برخورداری افراد یا گروه‌های فاقد صلاحیت از امتیازات اجتماعی است که استحقاق آن را ندارند و منجر به کسب امتیازها یا انباشت ثروت نزد عده‌ای محدود از افراد جامعه می‌شود. برخورداری از رانت اجتماعی به اشکال مختلف صورت می‌گیرد؛ گاهی افراد با استفاده از موقعیت شغلی خود یا نزدیکانشان از فرصت‌ها و امکاناتی برخوردار می‌شوند (فضلی‌نژاد و احمدیان، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲) که بدون آن موقعیت شغلی، استفاده از آن فرصت‌ها و امکانات به دلیل نداشتن استعداد و صلاحیت‌های ذاتی برایشان امکان‌پذیر نیست. رانت اجتماعی ممکن است به شکل امتیازهایی در نتیجه تصویب قوانین و مقررات برای گروهی خاص، حاصل شود. برای نمونه مقررات استخدامی، حقوق و مزایای شغلی، اعطای مدارک و مجوزها، معافیت‌های نظام وظیفه، و ... ممکن است برای عده‌ای منافع اجتماعی به دنبال داشته باشد، اعم از اینکه این منافع در نتیجه لابی‌گری و برای تخصیص دادن به گروه هدف وضع شده باشند یا این که مصالح کشوری اقتضای این امر را داشته باشد.

۳. رانت و فساد سیاسی و نسبت آن با جامعه مطلوب اسلامی

پژوهش حاضر به دنبال یافتن مصادیق رانت و فساد سیاسی در آراء امام خمینی (ره) و آثار آنان بر جامعه مطلوب اسلامی است. زیرا ممکن است به دلایل متعددی، هنوز موضوع رانت به طور دقیق و علمی نظیر آنچه امروزه مطرح می‌شود، مورد توجه ایشان نبوده است. بنابراین پیدا کردن نشانه‌ها و مصادیق رانت و فساد در آراء ایشان و نقش آن بر عدم تحقق جامعه مطلوب اسلامی می‌تواند ابعاد و زوایا و آثار رانت و فساد سیاسی را در جامعه اسلامی به ما نشان دهد.

۱-۳. نفوذ سیاسی و اقتصادی و حاکم شدن منافع فردی و گروهی

معمولاً رانت‌خوارها با استفاده از نفوذ سیاسی و اقتصادی‌شان یا از طریق آشنایانی که صاحب این نفوذ هستند به صورت غیرقانونی به منابع مالی دست پیدا می‌کنند و به کسب ثروت می‌پردازند (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۷: ۳۷). اما دایره رانت‌خواری را امروزه دیگر نمی‌توان

تنها در کسب ثروت مالی محدود کرد، بلکه هر امتیازی اعم از مناصب سیاسی، اجتماعی، علمی، آموزشی، حمایت‌های قضایی و ... در این حیطه می‌گنجند. با این تعاریف، یکی از مصادیق رانت در آراء امام خمینی (ره) ارتباطات خانوادگی در رأس اداره جامعه و پیوند آنان با ثروت و قدرت است. از نگاه ایشان این شکل از حکومت زمینه‌ساز فساد در عرصه‌های گوناگون می‌شود. به بیان ایشان: «حکومت اسلام، سلطنتی هم نیست تا چه رسد به شاهنشاهی و امپراطوری. در حکومت اسلامی، برخلاف رژیم سلطنت و شاهنشاهی و امپراطوری، اثری از کاخهای بزرگ، عمارات کذایی، خدم و حشم، دفتر ولیعهد و دیگر لوازم سلطنت که نصف یا بسیاری بودجه مملکت را از بین می‌برد، نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۴۷). از نظر امام خمینی (ره)، لوازم نظام سلطنتی، ابقای ثروت و قدرت در نزد عده‌ای خاص و محروم ماندن اکثریت مردم از وسایل رفاهی زندگی است. به علاوه اینکه، معنویت و آخرت انسانها را نیز با دشواری روبرو می‌سازد.

با این تعاریف می‌توان مصادیق رانت سیاسی در آراء امام خمینی (ره) را تشریح نمود. همان‌طور که بیان شد رانت سیاسی نیز یکی از مصادیق رانت به شمار می‌رود. هرچند این مفهوم چندان رایج نیست، اما می‌توان رانت سیاسی را کسب هر سطحی از قدرت سیاسی بدون پرداخت هزینه‌های لازم و ضروری آن دانست (درویشی، ۱۳۸۷: ۳۳۲-۳۳۱). هزینه‌های عادی و معمولی برای کسب مناسب سیاسی، دارا بودن مقبولیت (مردمی بودن) و همچنین دارا بودن شایستگی و کارآمدی است. در صورتی که این صفات در راه رسیدن به مناصب سیاسی طی نشود، رانت سیاسی محسوب می‌شود. با این تعریف از رانت سیاسی، پیدا کردن مصادیق آن در آراء امام خمینی (ره) دشوار نیست. آنچه در نظر امام خمینی (ره) به عنوان مصادیق فساد در نظر گرفته می‌شود، همان فساد قدرت است که در آراء دی‌پی‌اترا (۲۰۰۸) و میردال (۱۹۶۸) به عنوان روشی برای کسب منافع بیشتر از مسیر سوء استفاده از قدرت است. به عبارتی دیگر، بنا شدن کاخ و عمارت کذایی، خدم و حشم، دفتر ولیعهد و ... به عنوان مصادیق فساد و مانعی برای تحقق جامعه عادلانه اسلامی است.

تقدم مصالح و منافع فردی بر منافع گروهی و یا نادیده گرفتن فساد و رانت در میان نزدیکان، بخش دیگری از فساد است که جامعه اسلامی را با خطر روبرو می‌سازد. در مقابل این رویکرد، رفتار و گفتاری فسادستیز وجود دارد که هرگز منافع عمومی را فدای منافع فردی، حزبی و گروهی نمی‌کند. در آراء هانتینگتون به خوبی به این مسأله اشاره شده است که فساد در نهادها و بوروکراسی حتی مانع عمده‌ای برای توسعه در جوامع جهان سوم است

(هانتینگتون، ۱۹۶۸). به عبارتی دیگر، فساد و رانت در جوامع در حال توسعه، مانعی برای تحقق جامعه مطلوب موردنظر رهبران سیاسی و مردم است. به طور مشخص، فساد و رانت در آراء امام خمینی (ره) نیز گویای همین موضوع است. به همین دلیل، در نگاه ایشان، تسامح در قبال رانت و فساد سیاسی در میان مسئولان جامعه اسلامی را به صورت کلی رد کردند. بنیانگذار انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۱ در یک سخنرانی خطاب به مسئولان کشور فرمودند: «رسیدگی به متخلفان چه در سطح دادستان و قضات و چه در سطح ادارات و وزارتخانه‌ها یک الزام شرعی است. با کمال جدیت باید با آن برخورد شود.» در همین سخنرانی امام (ره) فرمود: «هیچ گونه مسامحه‌ای نباید صورت گیرد و ظرف سه روز باید جایگزین فرد متخلف به آن اداره معرفی شود.» بدین ترتیب، امام (ره) در مبارزه با فساد هیچ غفلی را نمی‌پذیرفت و تأکید داشت که حتی برخورد ملایم هم نباید صورت گیرد؛ گرچه رعایت حقوق مجرمان و متهمان برای ایشان مهم بود. امروز یکی از آفت‌های جامعه همین موضوع است. گاهی اوقات به اسم مصلحت در برخورد با افراد متهم مسامحه صورت می‌گیرد که این امر هرگز مورد قبول حضرت امام (ره) نبود (درخشه و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶).

آثار دیگری که فساد سیاسی و رانت در پی دارد، ترجیح یافتن منافع شخصی بر منافع فردی است که موردنظر آندرسون (۲۰۰۲) بوده است. آندرسون چنین مطرح کرده بود که فساد در واقع نادیده گرفتن منافع عمومی و ذبح شدن آن در پای منافع فردی است و پیامدهای آن نیز کنار رفتن منافع جامعه در معنای عام آن است. در همین راستا باید بیان کرد که نفی رانت و فساد سیاسی در جامعه اسلامی قبل از هر چیز بدلیل آثار سوء اجتماعی آن است که از جمله نتایج آن، رواج ظلم و بی‌عدالتی است. زیرا امام خمینی (ره) با نفی روابط فردی در دستیابی به مناصب سیاسی، چنین بیان می‌کنند: «در چنین جامعه‌ای، زمامدار با پایین‌ترین فرد در جامعه برابر است و ضوابط و معیارهای متعالی الهی و انسانی مبنای پیمان‌ها و یا قطع روابط است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۵: ۸۱). برای مقابله با رانت سیاسی، توجه به عدالت و مبارزه با ظلم و ستم و نگاه همسان به همه طبقات اعم از نخبگان سیاسی و توده مردم حائز اهمیت است. به علاوه اینکه، تبعات رانت سیاسی برای جامعه مطلوب اسلامی آن است که باعث بدنامی روحانیون و نخبگان سیاسی کشور می‌شود. زیرا اگر امری خلاف قانون رخ دهد، همه بدنام می‌شوند (درخشه و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶). امام خمینی نه تنها رانت را مردود و مطرود می‌دانند، بلکه در مقابل آن بر محرومیت زدایی و تلاش برای برقراری عدالت تأکید می‌کنند. به تعبیر ایشان: «آنچه که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با

تبلیغات دیگران از میدان به در روند، حمایت از محرومان و پابرنه‌هاست. چرا که هرکسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۲۱ : ۹۹). راه رسیدن به این هدف، دوری جستن از رانت و مصادیق آن یعنی: مسامحه در قبال فساد نزدیکان و همکاران، امضاهای طلایی، اعطای مجوزهای غیرقانونی به فوایل و نزدیکان و تبدیل نهادها و سازمان‌ها به پایگاهی خانوادگی و قومی برای افراد است.

۲-۳. رانت و بی عدالتی در جامعه اسلامی

ترویج رانت و فساد سیاسی، تبعیض را پدید می‌آورد و یا به آن دامن می‌زند. امام خمینی (ره) به تشریح این موضوع می‌پردازند. از نظر ایشان: «اسلام جلوی سرمایه را نمی‌گیرد؛ ولی تبعیض را به نحوی که فردی میلیاردری درآمد داشته باشد و فرد دیگری گرسنه باشد را موافق نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: جلد ۸: ۴۸۰). سرچشمه تبعیض‌ها نیز جانشین شدن روابط به جای ضوابط و عدم نظارت کافی بر نزدیکان است تا افراد فاسد و رانت‌خوار بتوانند به اهداف و مطامع شخصی خود نائل شوند. رانت‌خواری سیاسی در نهایت به فساد منجر می‌شود. زیرا رانت‌خواری سیاسی، محصول جامعه غیر رقابت‌آمیز است. انحصار و خودمطلق بین است که نتیجه طبیعی آن حاکمیت روابط به جای ضوابط، ارادت پروری به جای شایسته‌سالاری و تیره بودن فضا در برابر شفافیت فضای عمومی است (درویشی، ۱۳۸۷: ۳۳۲). اما در مقابل، امام خمینی (ره) همواره بر مردمی بودن و حاکمیت قانون برای اداره جامعه تأکید می‌کردند. این موضوع در مسائل مختلف کشور نیز مورد توجه قرار می‌گرفت و همواره بر این باور بودند که راه سازندگی جامعه اسلامی، استفاده از نیروی عظیم مردمی در بازسازی و سازندگی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۶: ۳۰۰). رانت‌خواری و ویژه‌خواری در تقابل با عدالت اسلامی به عنوان هدف اصلی نظام اسلامی است. زیرا به تعبیر ایشان: «عدالت اسلامی را می‌خواهیم در این مملکت برقرار کنیم، یک همچو اسلامی که در آن عدالت باشد، اسلامی که در آن ظلم نباشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۹: ۴۲۵). در جامعه‌ای که رانت و رانت‌خواری وجود نداشته باشد یا حاکمیت قانون، مانع سرایت آن به بخش‌های مختلف جامعه شود، اهداف دیگر جامعه اسلامی یعنی رفع هرگونه تبعیض نژادی، اقتصادی و سیاسی طبق مقررات (موسوی خمینی، ج ۱۱: ۵۶). و گسترش عدالت از سوی حکومت اسلامی (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۲۱: ۱۴) نیز محقق می‌گردد.

علاوه بر این، تبعات سیاسی رانت‌خواری باعث تشکیل حلقه‌های فساد میان اصحاب قدرت شده که در نهایت حقوق عموم مردم را نادیده می‌گیرند. به همین دلیل، اغلب فقها

تأکید داشته‌اند که زمامداران و صاحبان قدرت و مسئولان حکومت اسلامی باید در مقابل افراد فرصت‌طلب و نان به نرخ روز خور هوشیار باشند و اجازه ندهند که اقوام و خویشاوندان آنها در پناه مقام و جایگاه آنان به منافع نامشروع مادی برسند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ۱۵۲). در دیدگاه امام خمینی (ره)، نفی رانت سیاسی از سوی نخبگان جامعه، بنیان نظام اسلامی را با تهدید روبرو می‌سازد و همین امر باعث شده تا ایشان ساده‌زیستی، نفی تشریفات و تجمل‌گرایی، مخصوصاً در بین مسئولین را از اصول لازم برای برقراری جامعه مطلوب اسلامی تلقی نمایند. ایشان می‌فرمایند: «از اهم مسائلی که باید متذکر شوم، مسأله‌ای است که به روحانیون و دست‌اندرکاران کشور مربوط می‌شود و همیشه نگران آن هستم تا مبادا این مردمی که همه چیزشان را فدای اسلام کردند و به اسلام خدمت نمودند و بر ما منت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران شوند، زیرا آن چیزی که مردم توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمدند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را برپا کردند و طاغوت را از میان برداشتند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای ناخواسته، مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر دادند و عمارت درست کردند... و آن چیزی که نسبت به شما در دلشان بوده است را از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۹: ۳۱۷). بنابراین امام خمینی (ره)، مسئولان و مقامات را به تبعات مفاسد سیاسی و اقتصادی از جمله گرفتار شدن در تجمل‌گرایی، رابطه‌گرایی و نادیده گرفتن حقوق مردم آگاه ساخته و به خطرات ناشی از فساد اشاره می‌کنند. استدلال این است که ساختن عمارت و تغییر دادن اوضاع مسئولین در شرایطی که قانون حاکم باشد، به آسانی صورت نمی‌گیرد. تنها در صورت استفاده از روشهای نامشروع و غیرقانونی از جمله رانت و نظایر آن است که تجمل‌گرایی رواج می‌یابد و رسیدن به جامعه مطلوب اسلامی دشوار می‌شود. اگر مبنا قانون باشد، در جمهوری اسلامی، بالاترین فرد و پایین‌ترین فرد برابر هستند و فرقی بین این دو نیست (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۷: ۳۱۰). بنابراین آنچه باعث نابرابری و برهم خوردن تعادل در جامعه اسلامی می‌شود، وجود رانت و اعمالی غیر از قانون و احکام شرع است که تهدیدی برای محقق شدن جامعه مطلوب اسلامی می‌باشند.

رانت اقتصادی هم از نظر امام خمینی (ره) مصداق بی‌عدالتی، دنیاگرایی و نابود کردن دنیا و آخرت انسانی است. همان‌طور که بیان کردند: «... در فسادهای مالی سود دنیوی است و اُفت اُخروی و معلوم می‌شود که رانت، ربا، رشوه و ... خلاف عدالت است» (موسوی

خمینی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۴۰۳). بر همین اساس، یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی، مبارزه با فساد بود که در رژیم شاه نهادینه شده بود. در تمام سال‌های پس از انقلاب، مسأله مبارزه با فساد اقتصادی و تحقق عدالت اقتصادی و علوی صدر مطالبات امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب بوده است، پرچمداری مبارزه با فساد در همه سال‌ها به دست رهبری بوده است و از نگاه ایشان تحقق عدالت با مبارزه با فساد به صورت مستمر امکان‌پذیر است (جمشیدی، ۱۳۹۷: ۴۷۷-۴۹۸). از این‌رو موضع امام به فساد و انواع رانت‌خواری به مفهوم عام آن (سیاسی، اقتصادی و...) بدین صورت بود که امام اساس حرکت حکومت دینی را مبارزه با فساد می‌دید. از نظر ایشان مهم‌ترین وظیفه انبیا برقراری نظامی عادلانه بود. نگاه حضرت امام (ره) قبل از انقلاب به فساد به مفهوم کلی آن بود و ایشان اساس یکی از اهداف عالی حکومت را نجات مظلومان از دست ستمکاران و مبارزه با فساد و باطل می‌دانست. از نظر ایشان، اگر احکام اسلامی در حکومت اسلامی جاری و ساری بشود، ریشه فساد از بین خواهد رفت. امام در مصاحبه‌ای با مجله‌ای خارجی قبل از پیروزی انقلاب فرمودند: «با تکیه بر احکام اسلام و نیروی مردمی می‌توان فساد را ریشه کن کرد.» (کوچک‌زاده، ۱۳۹۸: ۳۳-۱۶).

مسأله دیگری که از نظر امام خمینی (ره) به عنوان مصداق فساد و چالشی برای شکل‌گیری جامعه مطلوب اسلامی است، نابود شدن استعدادهای خلاق جامعه و همچنین تکاثر ثروت در نزد عده‌ای خاص است. این وجه از اندیشه امام خمینی (ره) با بهره‌گیری از دیدگاه لیو (۲۰۰۴) قابل تحلیل است که سطوح و ابعاد فساد را طیفی از فساد دولتی، بازاری و همچنین خصوصی در نظر می‌گرفت. بنابراین نادیده گرفتن حقوق افراد چه در نزد دولت، چه گروه و حزبی خاص و چه افراد ثروتمند باشد، مصداق فساد و تسلط عده‌ای ثروتمند بر منافع عمومی است. ضمن اینکه رفع تبعیض از ساحت جامعه اسلامی و آنچه باعث دستیابی عده‌ای به ثروت و منفعت بیشتر و بی‌بهره ماندن سایرین می‌شود، نیز از نظر ایشان مطرود است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «این معنا دیگر عملی نیست که یک دسته‌ای آن بالا باشند و همه چیزهایی را که بخواهند، به طور کلی تحقق پیدا کند، پارک‌ها، اتومبیل‌ها و ... یک دسته هم این زاغه‌نشین‌ها باشند که اطراف تهران هستند. این نه منطق اسلامی دارند نه منطق انصافی... باید فکری بکنید که این تفاوت طبقاتی این طور نباشد. یک تعدیلی شود؛ اسلام تعدیل می‌خواهد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۸: ۳۷).

۳-۳. عدم تحقق اهداف متعالی حکومت دینی

کارکرد بازدارنده دیگری که از رانت و فساد سیاسی ناشی می‌شود، دور ساختن جامعه از اهداف ترسیم شده برای آن است. برای تشریح این مسأله باید گفت وقتی که به حقوق، جان، مال و نوامیس مردم تعرض شود، فساد رخ می‌دهد که در گزارش بانک جهانی (۱۹۹۷) و همچنین گزارش آن در سال ۲۰۰۴ م، نیز مورد توجه قرار گرفت. هرچند دیدگاه مطرح شده توسط بانک جهانی، کلی و عام است، اما طرح مصادیق فساد در جامعه اسلامی، همسو با این رویکرد است که تعرض به حقوق و منافع عامه مردم و انحراف از مسیر تعیین شده در جامعه براساس ارزش‌های پذیرفته شده، مصادق فساد است. ایشان اساساً به همین خاطر مبارزه با نظام فاسد و طاغوتی را به عنوان خط و مشی خود در نظر گرفتند و انقلابی را برای مبارزه با مظاهر فساد به راه انداختند. در واقع امام (ره) این موضوع را مطرح می‌کند که بشریت باید در مسیر اصلاح حرکت کند و حکومت دینی را عامل استقرار عدالت و مبارزه با همه اشکال و انواع فساد بداند (کوچک‌زاده، ۱۳۹۸: ۳۳-۱۶). تانزی نیز چنین می‌اندیشید که فساد، پدیده‌ای است که یک مجموعه را از اهداف و کارکردهای اصلی خود دور سازد (تانزی، ۱۳۸۷: ۴۵). این رویکرد نیز در ترسیم اهداف جامعه مطلوب اسلامی نیز قابل تسری است. بدین معنا که فساد سیاسی، رانت و سایر مصادق مرتبط با آن، نظام اسلامی را از اهداف متعالی خود دور می‌سازد و حتی ممکن است ضد ارزش‌ها را بر ارزش‌ها مسلط نماید.

نتیجه‌گیری

رانت و فساد سیاسی اعم از فردی و اجتماعی نقش مهمی در برهم زدن ساختار نظام اسلامی و اجتماعی برجای می‌گذارند. این موضوع هم در اداره جامعه توسط نظام سیاسی و هم در رابطه مردم با یکدیگر به صورت بی‌عدالتی، تبعیض، نقض حقوق انسانها و محقق نشدن اهداف متعالی نظام سیاسی پدیدار می‌شود. در همین راستا، چالشی که رانت و فساد سیاسی برای جامعه مطلوب اسلامی ایجاد می‌کند، باعث شده تا فقهای بزرگ شیعه از جمله امام خمینی، نقش فساد را در عدم تحقق اهداف جامعه اسلامی تشریح نمایند. موضوع رانت هرچند در دوره امام خمینی (ره) چندان در بین فقها مصطلح نبود، اما بررسی ابعاد آن از جمله خویشاوندپروری، استفاده از جایگاه و موقعیت نخبگان سیاسی برای دستیابی به منافع شخصی و دور زدن قانون در کنار ایجاد قوانینی برای کسب منافع فردی و گروهی، بخش‌های مهمی از رانت محسوب می‌شوند که حتی مشروعیت نظام سیاسی را در نزد افکار عمومی زیر سؤال می‌برند. اهداف متعالی نظام اسلامی، به سعادت رسانیدن مردم، برقراری عدالت،

رفع تبعیض و ارائه الگویی برای رعایت حقوق انسانها مبتنی بر کرامت آنان است و رانت-خواری و رانت‌جویی به شکل قابل توجهی می‌تواند باعث ممانعت از دستیابی به این اهداف شود.

هدف از تشکیل حکومت اسلامی و تحقق جامعه مطلوب اسلامی برقراری عدالت و دستیابی عادلانه و برابر به منابع و فرصت‌های جامعه است و رانت و فساد سیاسی، امری مذموم و تحریم شده و مانعی برای تحقق ارزش‌های اسلامی هستند. شکل‌گیری حلقه‌های فساد و رانت، بی‌توجهی به حقوق عامه و ترجیح منافع فردی از جمله چالش‌های دیگر و ناشی از فساد و رانت است. به نظر می‌رسد راه حل اولیه تشریح و تنقیح مصادیق رانت‌خواری در فقه و سپس ترتیب اثر دادن جرایم مرتبط با آن در قوانین مجازات از جمله راهکارهایی است که می‌تواند در زمینه مقابله با رانت و فساد سیاسی مفید باشد. امروزه بخش‌هایی از ساختار سیاسی و اداری کشور به صورت روابط فردی و گروهی، امتیازات و منافع برای خود در نظر گرفته‌اند که تهدیدی برای جامعه مطلوب اسلامی و نظیر آن چیزی است که بنیانگذار انقلاب اسلامی مطرح کرده بود.

منابع و مآخذ:

Huntington, Samuel (1968); **Political Order in Changing Societies**, New Haven, Yale University Press.

Kpundeh, S. and Levy, B. (2004); **Building State Capacity in Africa: New Approach, Emerging Lessons**.

Myrdall, G (1968), **Asian Dram.**, New York, Pantheon.

World Bank (1997), "**Helping Countries Combat Corruption, The Role of The World Bank, Poverty Reduction and Economic Management**."

اسحاقی، سید حسین (۱۳۸۴)، «نگاهی به پدیده رانت و رانت‌جویی در ایران»، **مجله رواق اندیشه**، شماره ۴۵.

افضلی، عبدالرحمن (۱۳۹۱)، «فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون رفت»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، سال بیست و هشتم، شماره ۴۵.

آقا نظری، حسن (۱۳۸۳)، «عدالت اقتصادی از نظر افلاطون، ارسطو و اسلام»، **نشریه اقتصاد اسلامی**، شماره ۱۴.

تانزی، ویتو (۱۳۸۷)، «مسأله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد، ترجمه بهمن آقایی، **مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره‌های ۱۴۹-۱۵۰، بهمن و اسفند.

حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۶)، «رانت، دولت رانتیر و رانتیر؛ سهم یک بررسی مفهومی»، **نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۱۲۵ و ۱۲۶.

درخشه، جلال؛ فخاری، مرتضی (۱۳۹۵)، «گستره مفهوم عدالت در اندیشه امام خمینی. **فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، دوره ۶، شماره ۱۸.

درویشی، فرهاد (۱۳۸۷)، «انقلاب اسلامی و رانت سیاسی»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۴۲ و ۴۳.

درویشی، فرهاد (۱۳۸۷)، «انقلاب اسلامی و رانت سیاسی، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۴۳ و ۴۲، صص ۳۶۵-۳۲۷.

فرج پور، مجید (۱۳۸۳)، «فقر، فساد و تبعیض، **موانع توسعه در ایران**، تهران: نشر رسا.

فضلی‌زاد، سیف‌الله، احمدیان، مرتضی (۱۳۸۹)، «اقتصاد رانتی در ایران و راههای برون رفت از آن»، **مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی**، دوره دهم، شماره ۱۱ و ۱۲.

فیسمن، ریموند، میگل، ادوارد (۱۳۸۸)، **تبهکاران اقتصادی**، ترجمه فرخ قبادی، تهران: نشر نگاه معاصر.

کوچک‌زاده، فرهاد (۱۳۹۸)، «دین و نگاه دینی امام خمینی (ره) به عنوان رهبر جامعه اسلامی از مقوله فساد. **نشریه بصیرت**: ۳۳-۱۶.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، **صحیفه امام خمینی** تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۴۱۵)، **کتاب البیع**، جلد ۳، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

منابع لاتین

Andersson, S. (4004) "**Corruption in Sweden: Exploring Danger Zones and Change**." Department of Political Science, Umea University

DiPiazza, A. Samuel (2008), "**Confronting Corruption**", January .